

فضول باشی و آفت ورزش

فضول باشی ورزش را خیلی وقت بود که نمی دیدم. پیداش نبود. کم تر به اماکن ورزشی سر می زد، به تلفن ها جواب نمی داد و به نوعی اطرافیان، دوستان و آشنایان را تحریم کرده و از نعمت حرف ها و سخنان حکیمانه اش محرومشان کرده بود.

وقتی دیدم به سویش رفتم، از این که با خنده ای تحویل گرفت و از من رو برنگرداند خوشحال شدم. خواستم حرفی بزنم که مجال نداد و باب سخن را با قرائت دو بیت شعر باز کرد:

هر بد که می کنی، تو مپندار کان بدی

ایزد فرو گذارد و دوران رها کند

قرضی است کار بدت نزد روزگار

در هر کدام دور که خواهد ادا کند

گفت: خوب گوش کن. بین که چه می گویم. نمی خواد حرفم را قطع کنی. دلم پر است از کسانی که در ظاهر دم از خیلی چیزها می زنند و خود را صاحب سبک، بزرگ، کارآمد، پیشینه دار و خلاصه مرد مرد به حساب می آورند ولی در باطن کارهایی از آن ها سر می زند که وقتی انسان می شنود می خواهد زمین دهان باز کند و آدمی را به بلعد تا گوشش با این حرف ها آشنا نشود.

اگر اعتقاد داریم و خود را مومن می دانیم باید بدانیم اعمال نیک و بدی که از ما سر می زند سرمایه ای است که از پیش می فرستیم. باید دقت کنیم و بفهمیم که چه چیزی را می فرستیم.

انسان نباید از آخرت غفلت بکند. در سوره مبارکه حشر خداوند رحمان و رحیم هشدار داده است که ای اهل ایمان پرهیزکاری پیشه کنید و بنگرید که چه چیز را برای فردای (قیامت) می فرستید.

این ها را می دانیم و می شنویم ولی عملی را که انجام می دهیم و کاری را که می کنیم خجالت آور و مایه شرم می شود. مگر مدعی نیستیم که ورزش صحنه مردانگی و جوانمردی است پس چرا به کارهای خاله زنکی، بی ادبی و اعمال و رفتارهای خارج از اصول اخلاق ورزشی دست می زنیم.

گفتم: چی شده که فضول باشی ورزش دور برداشته و مدام حرف می زند و برای دیگران حقی قائل نمی شود. کلی گویی تو جز سر درد نمی تواند ارمغان دیگری برای شنونده داشته باشد.

حرفی داری رک بگو و نقاب از چهره نامردان و مدعیان دروغین کشته و مرده ورزش بردار و بدین وسیله دین خود نسبت به ورزش استان را ادا کن. حال بگو که چرا این قدر آشفته و عصبانی هستی؟

گفت: ببین در ورزش ما در برخی موارد چند چهره گی به یک امر عادی تبدیل شده است. امروز برخی ها چهره یک منتقد دوآتشه را به خود می گیرند و می گویند حرف هایی که نباید بزنند و چند روزی نگذشته با تغییر موضع ۳۶۰ درجه ای آقایان مواجه می شوی.

تا دیروز از ضعف ها، کمبودها، کارهای غیر قانونی، حیف و میل اموال هیات ها، نابرابری ها در هیات ها، پایمال شدن حق ورزشکاران و دهها و دهها مورد حرف می زدند ولی با گذشت اندک زمانی همه آن چیزها فراموش می شود و آقایان به طرفداران و مدیحه گویان آنها تبدیل می شوند. در این میان چنان حرف می زنند و کلمات را پشت سر هم ردیف می کنند که انسان از تعجب و تغییر رنگ آنی برخی ها انگشت به دهان می ماند.

اگر پیگیری بکنی و دلیل این تغییر ها را بجویی یکی را تطمیع شده، دیگری را دوست پسر آن رئیس، هم قدم عموی آن مسوول و همکلاس برادر آن مدیر می یابی.

حال بیا و تحمل کن. فلان اجل، قدر قدرت و همه چیز فهم، دوستی ها را بر منافع ورزش و جامعه و سو استفاده از موقعیت خود را بر سرنوشت و آینده ورزش منطقه ترجیح می دهد باید بنشینی و به حرف آنها گوش بکنی و اگر بخواهی حرفی بر زبان آوری و گوشه ای از زوایای پنهان ورزش را باز بکنی چنان بکوبند تو را تا استخوان هایت خرد شود و توبه کنی که تو باشی و پایت را از گلیم ات بیشتر دراز نکنی.

گفتم: فضول باشی تو هم دلت خوشه، ول کن، تا بوده چنین بوده. چرا از خودت نمی پرسی به چه دلیل ورزش منطقه نتوانسته است به اوج برسد؟ آیا علتی جز آن که گوشه ای از آن را تو بیان کردی می توانی پیدا بکنی؟

وی چند ثانیه مکث کرد و ادامه داد: خلاصه خیلی ها به نوعی می خواهند از این سفره متنعم بشوند. به هر طریق و با استفاده از هر روشی که بوده باشد برای آنها فرقی نمی کند. مهم رسیدن آنها به اهداف شخصی است.

عده ای از این قبیل افراد آنهایی هستند که به دنبال دست و پا کردن موقعیتی برای خود در جامعه اند.

ورزش، دوستان ورزشی و رفاقت ها را می خواهند پلی برای بزرگ شدت خود قرار بدهند. از این قبیل افراد باید ترسید و از آنها دوری کرد.

اما باید این را بگویم اگر آنهایی که منافع ورزش و هیات های ورزشی مختلف استان را فدای رفاقت ها، دور هم نشینی ها و جلب رضایت این و آن می کنند رسوایی شان حتمی است چرا که دیری نخواهد گذشت که چهره پلید آنها از زیر نقاب نمایان شده و آبرویی برای آنها

باقی نخواهد ماند.